Housing and Rural Environment
Print ISSN: 2008 - 4994 Online ISSN: 2588 - 6215
Homepage: https://jhre.ir

Analysis of effective factors on integrated local management in peripheral rural settlements of Tehran metropolitan

Masoumeh Ghorbani[1], Alireza Darban Astaneh[2]✉, Mohammad Reza Rezvani[3], Mojtaba Ghadiri Masoum[4]

1. PhD student, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: ghorbani70@ut.ac.ir
2. Corresponding author, Associate Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: astaneali@ut.ac.ir
3. Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: rrezvani@ut.ac.ir
4. Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mghadiri@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research paper

Article history:
Received: 24 - 1 – 2024
Accepted: 17 - 2 - 2024

Keywords:
Integrated local management,
Rural settlements,
Peripheral villages,
Tehran city.

ABSTRACT

Objective: In recent decades, the growth and development process of cities, especially megacities, has gained a very high speed. This issue has been accompanied by a significant increase in population and activity in these cities. The excessive growth of the population in the metropolises has affected the physical development of the cities and their surrounding areas and has caused major changes and transformations in the rural settlements located around them. Among these challenges are the lack of services and facilities needed by the residents, the physical disorder of the settlements, unauthorized and unprincipled constructions, encroachment on national lands and natural resources and land use change, land and housing stock exchange, as well as social-cultural issues and problems in rural settlements within the city limits. Tehran pointed out that the main reason for these issues is the lack of a coherent and efficient management system. For this reason, in the current research, the integrated management model of the peripheral villages of Tehran has been studied as an efficient and alternative approach to the traditional approaches for managing the peripheral villages of Tehran city. Therefore, the main goal of this research is to explain the integrated management model of the peripheral villages of Tehran city.

Method: The statistical population of this research is the number of 34 rural settlements located in the metropolitan area of Tehran, all of which have been studied as samples. The target community of the research included experts of executive bodies (national headquarters, province and city), local managers (villagers and members of the Islamic council of villages) and local knowledgeable people. The main tool for collecting data is a questionnaire and a total of 350 questionnaires have been distributed and completed .

Results: Indeed, statistical tests (chi-square, one-sample t-test, linear regression, and path analysis) were used to analyze the data.

Conclusions: The study's findings indicate that the among these factors, the policy and planning factor has the most effect. And after that, institutional-executive, social-cultural factors, laws and regulations, economic and financial resources, and spatial factors have the greatest effect.

DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61 Publisher: Natural Disasters Research Institute (NDRI).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]
[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

مسکن و محیط روستا
شاپا چاپی: ۴۹۹۴ - ۲۰۰۸ شاپا الکترونیکی: ۶۲۱۵ - ۲۵۸۸
Homepage: https://jhre.ir

تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی در سکونتگاه‌های روستایی حریم کلان‌شهر تهران

معصومه قربانی[۱] | علیرضا دربان آستانه[۲]✉ | محمدرضا رضوانی[۳] | مجتبی قدیری معصوم[۴]

۱. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ghorbani70@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: astaneali@ut.ac.ir
۳. استاد، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rrezvani@ut.ac.ir
۴. استاد، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mghadiri@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

کلیدواژه‌ها:
مدیریت یکپارچه محلی،
سکونتگاه‌های روستایی،
روستاهای حریم،
کلان‌شهر تهران.

چکیده

هدف: دهه‌های اخیر به دلیل رشد طبیعی جمعیت و ورود بیش‌ازاندازه مهاجران داخلی، اتباع و به‌طورکلی جذب سرریز جمعیت کلان‌شهر تهران باعث چند برابر شدن جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی واقع در حریم شهر تهران شده است. رشد شتابان جمعیت در حریم کلان‌شهر تهران چالش‌های متعددی را به همراه داشته است. ازجمله این چالش‌ها می‌توان به کمبود خدمات و امکانات موردنیاز ساکنان، آشفتگی کالبدی سکونتگاه‌ها، ساخت‌وسازهای غیرمجاز و غیراصولی، دست‌اندازی به اراضی ملی و منابع طبیعی و تغییر کاربری اراضی، بورس‌بازی زمین و مسکن و همچنین مسائل و مشکلات اجتماعی – فرهنگی در سکونتگاه‌های روستایی حریم شهر تهران اشاره نمود که می‌توان دلیل اصلی این مسائل را نبود یک سیستم مدیریتی منسجم و کارآمد دانست. به همین دلیل در این مطالعه مدیریت یکپارچه محلی روستاهای حریم کلان‌شهر تهران به‌عنوان یک رویکرد کارآمد موردتوجه قرار گرفته است و هدف اصلی این مطالعه شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی در سکونتگاه‌های روستایی حریم کلان‌شهر تهران است.

روش پژوهش: جامعه آماری این تحقیق، تعداد ۳۴ سکونتگاه روستایی واقع در حریم کلان‌شهر تهران است که همگی به‌عنوان نمونه موردمطالعه قرار گرفته‌اند. جامعه هدف پژوهش شامل خبرگان دستگاه‌های اجرایی (ستاد ملی، استان و شهرستان)، مدیران محلی (دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاها) و افراد آگاه محلی بوده‌اند. ابزار اصلی جهت گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده و مجموعاً تعداد ۳۵۰ پرسش‌نامه توزیع و تکمیل شده است.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری تحلیل عاملی، رگرسیون و انجام تحلیل مسیر بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد به ترتیب عوامل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، نهادی و اجرایی، اجتماعی – فرهنگی، قوانین و مقررات، منابع مالی و اقتصادی و عامل مکانی – فضایی بیشترین تأثیر را بر مدیریت یکپارچه محلی در سکونتگاه‌های روستایی حریم شهر تهران داشته‌اند.

DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61

© نویسندگان.
ناشر: پژوهشکده سوانح طبیعی.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]
[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

مقدمه

تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در محیط‌های بزرگ در قالب مناطق کلان‌شهری، با اشکال جدیدی از پویایی‌ها، در سراسر جهان دیده می‌شود (Ache & Neuvonen, 2017: 74). این مناطق در دنیای جدید از سابقه‌ای نسبتاً طولانی برخوردارند و به دلیل روبه‌رو شدن با چالش‌ها و مسائل جدید و بسیار زیاد ازجمله چالش‌های مالی، منابعی، زیرساختی و ... نحوه اداره آن‌ها همواره موردبحث بوده است و توجه پژوهشگران بسیاری از سراسر جهان را به خود جلب کرده‌اند (داداش‌پور و میری لواسانی، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

منطقه کلان‌شهری یک هسته پرتراکم جمعیتی است که توسط تعداد زیادی از حوزه‌های قانونی و اداری با تراکم جمعیتی کمتر مشتمل بر شهرها، شهرک‌ها، روستاها و سکونتگاه‌های غیررسمی واقع در حریم شهرها احاطه شده است. مرزهای جغرافیایی اغلب با اندازه جمعیتی و الگوهای رفت‌وآمد شناخته می‌شوند؛ اما کلید اصلی شناسایی مناطق کلان‌شهری وابستگی‌های متقابل قوی و پیچیده (اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی/اداری) میان حوزه‌های تقسیمات سیاسی است (Klink, 2008: 82).

در حال حاضر ۴۱ درصد از جمعیت شهری جهان در مناطق کلان‌شهری ساکن‌اند، ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی در این مناطق تولید می‌شود و این مناطق را به مرکز نوآوری و فرصت‌های کسب‌وکار تبدیل می‌کند (Andersson, 2014: 51). مناطق کلان‌شهری می‌توانند به مرکز اصلی برای جذب و حمایت تعداد قابل‌توجهی از نیروی کار، دانش، تخصص، خدمات، زیرساخت، مؤسسات و رسانه‌ها تبدیل شوند (United Nations, 2014: 7). پیامد پیوندهای فضایی و وابستگی‌های متقابل میان هسته شهری و حریم آن‌ها عموماً در نحوه مدیریت مناطق کلان‌شهری منعکس نمی‌شود. به‌ویژه ساختارهای اداری موجود در بسیاری موارد قدیمی هستند و توانایی پرداختن به تمامی مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی در کل منطقه کلان‌شهری را ندارند (Ahrend et al., 2017: 162).

وجود تعداد زیادی از ساختارهای مدیریت محلی در محدوده منطقه کلان‌شهری ازجمله شهرداری‌ها، دهیاری‌ها، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها، ادارات مختلف و ...، هماهنگی در خدمات‌رسانی و مدیریت را در این حوزه با چالش مواجه می‌سازد و یکپارچگی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را در سرتاسر منطقه کلان‌شهری پیچیده‌تر خواهد ساخت. مدیریت سکونتگاه‌های واقع در مناطق کلان‌شهری علاوه بر ضرورت وجود منابع کافی، نیازمند همکاری و هماهنگی بسیار زیاد بین تمام نهادهای متولی است. خصیصه مهم مناطق کلان‌شهری پیوندها و ارتباط اجتماعی و اقتصادی بسیار نزدیک میان بخش‌های مختلف موجود در آن است و دامنه جغرافیایی این پیوندها معمولاً فراتر از تقسیمات سیاسی موجود در آن منطقه است. این موضوع حاکی از آن است که هیچ‌کدام از دولت‌های محلی (شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و سایر نهادها) از چنان ابزار و امکاناتی برخوردار نیستند که به‌تنهایی به مدیریت تمامی چالش‌ها و مشکلات این مناطق بپردازند. بنابراین مدیریت و خدمات‌رسانی متفرق به سکونتگاه‌های واقع در مناطق کلان‌شهری نه‌تنها موجب برطرف نمودن مشکلات این مناطق نشده، بلکه هدررفت منابع انسانی و مالی را نیز به دنبال داشته است. به همین جهت، مدیریت و سیاست‌گذاری هماهنگ و یکپارچه جهت برطرف نمودن مسائل و مشکلات مناطق کلان‌شهری و به‌ویژه سکونتگاه‌های روستایی واقع در حریم کلان‌شهرها ضرورت دارد (امیر انتخابی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۲-۵۳؛ سرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۹).

بنابراین، پژوهش حاضر در پی آن است تا ضمن شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه محلی و همچنین شناسایی عوامل اثرگذار بر مدیریت یکپارچه محلی به تحلیل میزان و نحوه اثرگذاری هرکدام از این عوامل بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم شهر تهران بپردازد. به همین منظور سؤالات پژوهش نیز به‌صورت زیر مطرح می‌شود:

- ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم کلان‌شهرها کدام‌اند؟
- عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم کلان‌شهرها کدام‌اند؟
- میزان اثرگذاری عوامل مختلف بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم کلان‌شهر تهران به چه صورت است؟

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

پیشینه پژوهش

بررسی سابقه پژوهش در زمینه نظام‌های مدیریت محلی و تأثیرات آن‌ها در سازمان‌یابی فضایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۸۰ به بعد اشکال جدیدی از نظام سکونتگاهی نظیر مناطق کلان‌شهری ظهور یافته است. در این سال‌ها، در مفاهیم مدیریت محلی تغییر نگرش اساسی صورت گرفته است. درحالی‌که رویکردهای اولیه عمدتاً بر اصلاحات اقتصادی و اداری برای مدیریت توسعه محلی تمرکز داشتند (ایمانی جاجرمی و فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۹۶-۹۲)، رویکردهای بعدی با تأکید بر ضرورت در نظر گرفتن سیاست و مدیریت به‌عنوان دو روی سکه حکومت محلی، تلاش می‌کنند با در نظر گرفتن فرایندهای سیاست و پیامدهای آن بر توسعه مدیریت محلی، مفهومی غنی‌تر از مدیریت محلی را ارائه کنند. نتیجه این تغییر نگرش‌ها در مدیریت محلی ظهور رویکردهای جدید، یعنی حکومت محلی و حاکمیت محلی، منطقه‌گرایی، منطقه‌گرایی جدید (Danielewicz, 2020: 62; Gariup, 2016: 70) و در سال‌های اخیر مفهوم شراکت روستایی – شهری بوده است (رضوانی، ۱۴۰۰؛ OECD, 2013) که همگی بر ضرورت مدیریت یکپارچه تأکید داشته‌اند که در ادامه تشریح ویژگی‌های آن‌ها پرداخته می‌شود.

مدیریت محلی

مدیریت محلی به‌عنوان نزدیک‌ترین لایه دولت به مردم (Ibietan, 2010: 30)، نقش مهمی در توسعه مناطق روستایی بر عهده دارد (Pugalis & Tan, 2017: 9). مدیریت محلی فرایندی است که با فراهم نمودن امکان فعالیت‌های مشارکتی برای ذی‌نفعان محلی، آن‌ها را ازطریق اقدام جمعی هماهنگ و مؤثر برای دستیابی به اهداف معین و نیازهایشان، هدایت و سازمان‌دهی می‌کند و پیوند اقتصادی، اجتماعی و محیطی فرایندهای پایدار در روستاها را با خود به همراه دارد. مدیریت محلی، نوعی بهره‌گیری جامع و مولد از سرمایه‌های اجتماعی، طبیعی و مالی در مقیاس‌های زمانی و جغرافیایی است. بر این اساس، سرمایه اجتماعی محلی می‌تواند تحت تأثیر سیاست‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و یک مجموعه نهادی تحت عنوان «مدیریت محلی» باشد (Clark et al., 2010: 287). به سخن دیگر، مدیریت محلی نقش اساسی در شکل‌گیری نگرش‌های مدنی و دموکراتیک دارد و ایجاد سرمایه اجتماعی و تقویت پیوندهای جامعه مدنی به‌عنوان یکی از بهترین راهکارها برای مقابله با چالش‌های جدید حاکمیت محلی شناخته شده است (Teles, 2012: 20-31). در کنار آن، حکومت محلی شامل مجموعه‌ای از نهادهای رسمی حقوقی با قدرت قانونی است. درواقع، حکومت بیانگر فعالیت‌های مبتنی بر اقتدار رسمی و قدرت نظامی برای تضمین اجرای سیاست‌های مصوب و مقرر است (Atkinson, 1998: 422).

منطقه‌گرایی و نومنطقه‌گرایی

تا پیش از آغاز قرن بیستم استفاده از دو مفهوم شهر و روستا و در موارد معدودی کلان شهر می‌توانست برای تشریح اشکال توسعه فضایی و سکونتی موجود کافی باشد، اما توسعه و گسترش شهرنشینی موجب شکل‌گیری پدیده‌های نوینی در سازمان فضایی سرزمین شد. این تحولات سریع موجب تشدید ناکارآمدی مدل‌های اداره سرزمین گشته است. مجموعه‌ای از تلاش‌ها در جهت پاسخ‌گویی به تغییر و تحولات صورت‌گرفته در دو قرن اخیر موجب مجموعه‌ای از راهبردها شده است که به «منطقه‌گرایی کلان‌شهری» موسوم‌اند (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹: ۱۸). تعاریف متعددی برای مفهوم منطقه‌گرایی ارائه شده است، اما به‌طور خلاصه می‌توان گفت منطقه‌گرایی یک رویکرد منطقه‌ای به مسائل است که هدف آن مقابله با مشکلات و ایجاد توسعه در سطح منطقه با مجموعه‌ای از راهبردها نظیر شبکه‌سازی سازمان‌ها و نهادها و واحدهای حکومتی و برپاسازی نهادها، سیاست‌ها و یا مکانیسم‌های حکمروایی است (اسدی، ۱۳۸۳: ۳۵).

منطقه‌گرایی کلان‌شهری در اوایل قرن بیستم در ایالات‌متحده ظهور یافت و با نام‌های منطقه‌گرایی سنتی و جنبش اصلاح‌طلبی نیز شناخته می‌شود. این دیدگاه بعد از رشد شتابان و اشباع شهرهای مرکزی که با خروج نیروهای مازاد شهری به حاشیه و مناطق پیرامونی همراه بود، شکل گرفت. در آن شرایط اعتقاد بر این بود که وجود ساختار تفکیکی و مدیریت‌های متعدد باعث به هدر رفتن سرمایه‌ها می‌شود؛ بنابراین ایجاد ساختار دولتی متمرکز واحد موجب کارآمدی اقتصادی در کل منطقه کلان‌شهری می‌شود. از دهه ۱۹۵۰ به بعد، شتاب روند شهرنشینی و حومه‌گرایی در مناطق کلان‌شهری و دیدگاه منطقه‌گرایی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]
[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

سنتی تا حدودی تعدیل شده و متفاوت با دیدگاه اوایل قرن بیستم، برنامه‌ریزان به‌جای مناطق کلان‌شهری تک مرکزی، به مجموعه‌های کلان‌شهری چندهسته‌ای معتقد بودند. به‌طوری‌که هدایت رشد به خارج از شهر مرکزی و مکان‌یابی در حومه‌ها و نواحی روستایی اطراف، جای خود را به تنظیم و هدایت الگوهای سکونتگاهی، خوشه‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در موزاییک به‌هم‌پیوسته شهری، حومه‌ای و منطقه‌ای در درون یک منطقه کلان‌شهری داده بود. در دهه ۱۹۹۰ دیدگاه نومنطقه‌گرایی در عرصه نظری ظاهر شد. نومنطقه‌گرایی با بررسی مسائل متعددی که مناطق کلان‌شهری با آن روبه‌رو بودند، بار دیگر بر روی ساختار نهادی متمرکز تأکید نمود و به انتقاد بیشتر از ساختار تفکیکی نهادی پرداخته است. این دیدگاه نیاز به سازمان‌دهی مجدد نهادی را به‌طورجدی مطرح کرده و معتقد است که در شرایط جدید اقتصاد جهانی نیاز به یکپارچه‌سازی نهادی برای جذب منافع و دفع زیان‌های جهانی شدن وجود دارد (اسدی، ۱۳۸۳؛ Wheeler, 2002; Gariup, 2016; Miller, 2018).

شراکت روستایی – شهری

نواحی شهری و روستایی از دارایی‌های متفاوت و غالباً مکمل یکدیگر برخوردارند و هماهنگی مناسب‌تر آن‌ها برای ایجاد تعادل بین منافع اجتماعی و محیطی بسیار مهم است. قلمرو آن‌ها ازلحاظ عملکردی ازطریق انواع مختلف پیوندها که اغلب از مرزهای اداری معمول عبور می‌کنند، به‌شدت با هم مرتبط هستند (OECD, 2017). به‌طورکلی نواحی شهری و روستایی به‌طور فزاینده‌ای با یکدیگر در حال یکپارچگی بوده و این یکپارچگی شامل مجموعه پیچیده‌ای از پیوندها ازجمله جمعیت و بازار کار، ارائه خدمات عمومی، شبکه حمل‌ونقل، خدمات محیطی و مانند آن است (Sukhwani et al., 2020).

ازجمله ویژگی‌هایی که شراکت روستایی – شهری را از دیگر انواع همکاری‌های قلمروی متمایز می‌کند، این واقعیت است که در این روند نواحی شهری و روستایی باید مستقیماً مشارکت داشته باشند و شامل دست‌اندرکاران مختلف شهری و روستایی، مانند مقامات دولتی (شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) و یا دست‌اندرکاران بخش خصوصی (مؤسسات، جامعه مدنی و غیره) است. تشکیل مدیریت واحد و یکپارچه که کل قلمروی شهری و روستایی ناحیه را شامل شود، یکی از راه‌های دستیابی به مدیریت یکپارچه شهری – روستایی است، اما این رویکرد به‌ندرت در عمل مورداستفاده قرار می‌گیرد. به همین سبب رویکرد شراکت روستایی – شهری پاسخی ممکن به شکاف بین شهری – روستایی است (Dabson, 2019). درواقع شراکت روستایی – شهری می‌تواند به تقویت ارائه خدمات و توسعه کالاهای عمومی و بهبود مدیریت با تمرکز بر فضاهای قلمرویی و دارای یکپارچگی کارکردی کمک کند. باتوجه‌به پیوند بین نواحی شهری و روستایی، شراکت روستایی – شهری نشان‌دهنده کارکردهای مکمل شهر و روستا است، که به‌نوبه خود به مناطق این امکان را می‌دهد تا با تلاش‌ها و اقدامات موجود برای رسیدن به اهداف مشترک که نمی‌توانند در انزوا حاصل شود، کمک نمایند (OECD, 2013).

یکپارچگی و مدیریت یکپارچه

مطالعات بسیار گسترده‌ای با هدف ارائه راهبردها و سیاست‌های تغییر ساختارهای اقتصادی نواحی شهری و روستایی در جهان صورت گرفته است. توسعه شهری–روستایی هماهنگ[1] (CURD) در سال ۲۰۰۳ به‌منظور تقویت توسعه روستایی و کاهش شکاف درآمدی ساکنان روستایی و شهری، ارائه خدمات عمومی، زیرساخت‌ها و تولیدات روستایی، تشویق رشد عادلانه و بهبود جریان عوامل تولیدی (نیروی کار، سرمایه و ابزار و خدمات) میان نواحی شهری و روستایی مطرح شد (Ye et al., 2013; Ye, 2014; Zheng et al., 2022; Yumin, & LeGates, 2013). راهبرد توسعه و مدیریت شهری و روستایی یکپارچه[2] (IURD) با هدف حذف شکاف درآمدی میان ساکنان شهری و روستایی، خدمات عمومی، زیرساخت و تولیدات نواحی شهری و روستایی برای ارتقای یکپارچگی مطرح شده است. هدف راهبرد توسعه شهری و روستایی یکپارچه، ایجاد نوع جدیدی از روابط شهری – روستایی است که شهر و روستا هر دو از منافع آن بهره گیرند و مناطق کشاورزی و روستاها را با صنایع و شهرها ادغام کند. این رویکرد به دنبال تحقق تدریجی برابری حقوق اولیه میان ساکنین نواحی شهری و روستایی ازطریق یکپارچه‌تر کردن خدمات عمومی در سراسر کشور و دستیابی به سطوح درآمدی یکسان میان شهرنشینان و روستائیان، تخصیص منطقی عوامل تولید

1. Coordinated Urban–Rural Development
2. Integrated Urban–Rural Development

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]
[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

شهری – روستایی و دستیابی به هم‌گرایی توسعه صنعتی شهری – روستایی است (Model, 2019; Wu et al., 2016; Fang et al., 2020).

مفهوم یکپارچگی را باید در سه سطح تعریف کرد. سطح اول یکپارچگی عملکردی است، یعنی تمام عملکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی و زیست‌محیطی به‌صورت یکپارچه مدیریت شود. سطح دوم، یکپارچگی قلمرویی است، بدین معنا که تمام فضاهای سکونتگاهی به‌صورت یکپارچه مدیریت شود. سطح سوم، به لایه‌های مدیریتی اختصاص دارد. کلیه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها باید به‌صورت هماهنگ انجام شود (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۴۴).

جمع‌بندی ادبیات پژوهش

باتوجه‌به مفاهیم و مباحث مطرح‌شده در بخش مرور ادبیات، می‌توان بیان نمود که رویکردهای موردبررسی عموماً بر یکپارچگی و مدیریت یکپارچه مناطق کلان‌شهری به‌عنوان راهبردی کارآمد تأکید داشته‌اند. به‌طوری‌که این راهبرد می‌تواند بین نهادها و سازمان‌های مختلف و متفرق بخش دولتی، بخش خصوصی و مردمی هماهنگی لازم را ایجاد نماید و از این طریق مسائل و مشکلات سکونتگاه‌های روستایی واقع در حریم را برطرف کند. بااین‌وجود، تحقق مدیریت یکپارچه محلی به این معنا که ضمن به رسمیت شناختن هویت مستقل نهادها و سازمان‌های متعدد روستایی و شهری بتواند نوعی هماهنگی میان اهداف، استراتژی‌ها و برنامه‌های آن‌ها ایجاد شود و نیز نوعی همکاری و تشریک‌مساعی در اقدامات این مجموعه حول محور ارزش‌های مشترک شکل گیرد به‌سادگی امکان‌پذیر نبوده، بلکه عوامل مختلف و متنوعی مانند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان کشور، ساختارهای سازمانی دستگاه‌های مختلف، منابع مالی و اقتصادی، قوانین و مقررات، تفاوت‌های مکانی – فضایی بین روستاهای واقع در حریم و ملاحظات اجتماعی بر آن اثرگذار است که تاکنون در مطالعات گذشته کمتر به بررسی این عوامل اثرگذار پرداخته شده است. ازاین‌رو، در مطالعه حاضر در چهارچوب نظریات و رویکردهای مرتبط مانند مدیریت محلی، منطقه‌گرایی و نومنطقه‌گرایی، شراکت روستایی – شهری، یکپارچگی و مدیریت یکپارچه به تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم کلان‌شهر تهران پرداخته می‌شود (شکل ۱).

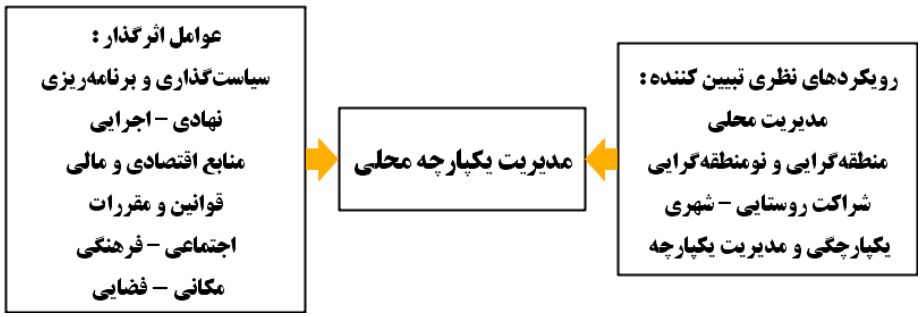

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و بر اساس روش دارای ماهیت توصیفی – تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در بخش کتابخانه‌ای ازطریق مرور ادبیات و منابع تحقیق سعی شده تا ضمن بررسی مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با پژوهش، ابعاد، مؤلفه‌ها و گویه‌های تحقیق نیز شناسایی شود. در بخش میدانی نیز با استفاده از ابزار پرسش‌نامه، نسبت به گردآوری داده‌های موردنیاز اقدام شده است. پرسش‌نامه به‌صورت سؤالات عمدتاً بسته و به‌صورت طیف لیکرت (از بسیار مطلوب تا بسیار نامطلوب و از خیلی کم تا خیلی زیاد) طراحی شده است. روایی و اعتبارسنجی سؤالات پرسش‌نامه با انجام یک فرایند خبره محور و نظرخواهی از ۲۰ نفر عضو هیئت‌علمی دانشگاه تأیید شده است. همچنین پایایی سؤالات پرسش‌نامه نیز ازطریق بررسی ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰/۷) و همچنین استفاده از شاخص KMO تعیین شده که نتایج این شاخص‌ها نشان‌دهنده پایایی مناسب سؤالات پرسش‌نامه است. در این مطالعه جهت تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی، رگرسیون و تحلیل مسیر در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]
[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

جامعه آماری در این مطالعه شامل تمامی سکونتگاه‌های روستایی واقع در حریم کلان‌شهر تهران است که بر اساس آخرین آمار تعداد آن‌ها برابر با ۳۴ آبادی است (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری کشور، ۱۳۹۵) که این تعداد تماماً به‌عنوان نمونه انتخاب و در این پژوهش موردمطالعه قرار گرفته‌اند.

همچنین در این پژوهش، جامعه هدف شامل خبرگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط، مدیران محلی روستاهای موردمطالعه و کلیه افراد آگاه محلی بوده است. خبرگان دستگاه‌های اجرایی در سه سطح ستادی (وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی)، استانی و شهرستانی (استانداری تهران، اداره کل راه و شهرسازی استان تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران، فرمانداری شهرستان تهران، اداره راه و شهرسازی شهرستان تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان تهران) و سطح محلی (بخشداری بخش آفتاب، بخشداری بخش مرکزی و بخشداری بخش کن) بوده است. مدیران محلی نیز شامل دهیاران ۳۰ روستای دارای دهیاری و اعضای شورای اسلامی روستاهای موردمطالعه بوده است. انتخاب خبرگان شاغل در دستگاه‌های اجرایی به‌صورت هدفمند و با استفاده از روش گلوله برفی صورت گرفته است که درنهایت تعداد ۱۰۰ نفر خبره انتخاب و از نظرات آن‌ها استفاده شده است. در بین مدیران محلی نیز تمامی دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاهای دارای دهیار و شورای اسلامی که تعداد دهیاران ۳۰ نفر بوده به همراه ۱۰۰ نفر از اعضای شورای اسلامی روستاهای موردمطالعه به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. علاوه بر این، در روستاهای موردمطالعه با استفاده از روش گلوله برفی و با معرفی دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاها، تعدادی از افراد تحصیل‌کرده و آگاه محلی نیز متناسب با تعداد جمعیت هر روستا به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند که مجموع آن‌ها برابر با ۱۲۰ نفر بوده است. بنابراین مجموع نمونه آماری تحقیق با احتساب خبرگان دستگاه‌های مرتبط، مدیران محلی و افراد آگاه محلی برابر با ۳۵۰ نفر بوده است (جدول ۱).

جدول ۱. حجم نمونه آماری به تفکیک گروه‌های مشارکت‌کننده

ردیف	گروه‌ها		تعداد (نفر)
۱	خبرگان (دستگاه‌های اجرایی)		۱۰۰
۲	مدیران محلی	دهیاران	۳۰
۳		شورای اسلامی	۱۰۰
۴	افراد آگاه محلی		۱۲۰
۵	جمع		۳۵۰

در این مطالعه، ابعاد و گویه‌های مربوط به مدیریت یکپارچه محلی (متغیر وابسته تحقیق) و همچنین عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی (متغیر مستقل تحقیق) ازطریق مرور منابع و بررسی پیشینه تحقیق شناسایی شده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. ابعاد و گویه‌های متغیر مستقل و وابسته تحقیق؛ منبع: صرافی، ۱۳۸۸؛ شیخی، ۱۳۸۸؛ حسین‌پور، ۱۳۹۰؛ صرافی و نجاتی، ۱۳۹۶؛ سرور و همکاران، ۱۳۹۶؛ شیخی و شبستر، ۱۳۹۷؛ خلیجی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سبحانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ اسدی و برک‌پور، ۱۳۹۹؛ سرور و همکاران، ۱۴۰۰؛ شاهی‌دشت و همکاران، ۱۴۰۱؛ میرانتخابی و همکاران، ۱۴۰۲؛ علیان و مرتضوی، ۱۴۰۲؛ Yuzhe et al., ۲۰۲۲; Danielewicz, 2020; Slack, 2019; Kandpal, & Saizen, 2019; Chen et al., 2019 Allers & De Greef, 2018; Spicer & Found, 2016; Slack & Côté, 2014; Arretche, 2013 Bahl, 2011; Lefèvre, 2010; Bish, 2001; MacLeod & Goodwin, 1999

عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی (متغیر مستقل تحقیق)	
ابعاد	**گویه‌ها**
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	وجود هماهنگی و ادراک جمعی؛ سیاست‌گذاری کل‌نگر محلی؛ دستورالعمل و چشم‌انداز مشترک؛ چشم‌انداز و رویکرد یکپارچه منطقه‌ای؛ ساختار و ماهیت غیرمتمرکز حکومت؛ وجود نهاد فرابخشی و هماهنگ‌کننده؛ برخورداری از راهکارهای نوآورانه و ابتکاری؛ تعیین سیاست‌های تشویقی؛ وحدت در مدیریت
نهادی – اجرایی	قراردادها و توافقات در میان دولت‌های محلی؛ همکاری نزدیک بین بخشی دستگاه‌های اجرایی؛ سازمان‌های دولتی دخیل در مدیریت حوزه؛ قانون‌گذاری در سطح حوزه مادرشهری؛ ارائه خدمات محلی از سوی شرکت‌ها؛ تعادل و همزیستی بین عوامل مختلف و مؤثر در اداره حریم؛ نظارت بر حسن اجرا وظایف توسط نهاد؛ دامنه کارکرد دولت‌های محلی؛ واگذاری امور به سطوح پایین‌تر؛ تعدد سازمان‌های تسهیلگر و حمایتگر

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

منابع اقتصادی و مالی	میزان درآمد و مسئولیت نهادهای محلی؛ درآمد مستقل دولت‌های محلی از دولت؛ تصمیم‌گیری در نحوه تأمین منابع مالی؛ عدم تعارض در قوانین سازمان‌های مختلف؛ مشارکت بخش‌های غیردولتی، خصوصی- عمومی در تأمین مالی؛ شفافیت در نظام هزینه و درآمدهای نهادهای مدیریتی؛ تناسب بین وظایف و منابع مالی در اختیار نهادها
قوانین و مقررات	پشتوانه قانونی؛ بازنگری و روزآمدسازی قوانین؛ اصلاحات قوانین متناسب با تحولات؛ تعیین ابزارهای کنترلی دقیق در قالب قوانین و مقررات؛ قوانین، مقررات و سازوکارهای رسمی نظارت و کنترل؛ شیوه اجرای قوانین
اجتماعی – فرهنگی	مشارکت جامعه محلی؛ انگیزه و مشارکت در نهادها، دهیاری‌ها و شهرداری‌ها؛ روابط افقی و داوطلبانه بین نهادی؛ تشکیل اتحادیه شهرداری‌های منطقه کلان‌شهری؛ هماهنگی و همکاری شوراهای محلی؛ همیاری و همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد؛ وجود شورا در سطوح مختلف؛ وجود انگیزه مشارکت در بین نهادها؛ هماهنگی و مشارکت در سطح نهادهای مردمی؛ اعتماد ساکنین نسبت به مدیران
مکانی – فضایی	وجود زیرساخت‌ها و دسترسی به زیرساخت‌ها؛ تفاوت مکانی در دسترسی به زیرساخت‌ها؛ برنامه‌ریزی کاربری اراضی؛ ارتباط برنامه‌های فرادست و فرودست؛ تداخل محدوده کالبدی و قلمرو تحت مدیریت نهادها
مدیریت یکپارچه محلی (متغیر وابسته تحقیق)	
ابعاد	ابعاد اصلی شامل: یکپارچگی قلمرویی؛ یکپارچگی سیاسی – حکومتی؛ یکپارچگی سیاستی – برنامه‌ای؛ یکپارچگی عملکردی

منطقه موردمطالعه

منطقه موردمطالعه شامل ۳۴ سکونتگاه روستایی واقع در محدوده حریم کلان‌شهر تهران است. استان تهران به مرکزیت شهر تهران، با وسعت ۱۳۸۴۱ کیلومترمربع بین ۳۴ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۵۳ درجه و ۹ دقیقه طول شرقی واقع شده است. از بین روستاهای موردمطالعه در این تحقیق، تعداد ۱۳ روستا در بخش کن شهرستان تهران، ۴ روستا در بخش مرکزی شهرستان تهران و ۱۷ روستا در بخش آفتاب شهرستان تهران واقع شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

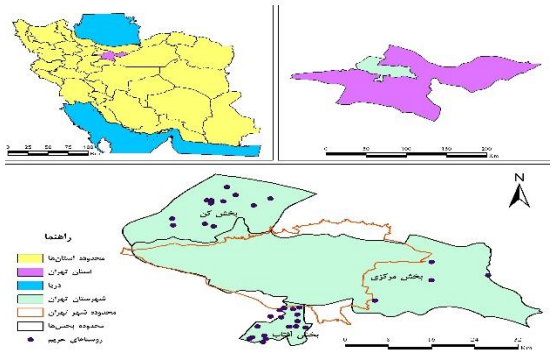

ت ۲. موقعیت منطقه موردمطالعه

یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های تحقیق به بحث و بررسی پیرامون میزان اثرگذار عوامل، آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و جمع‌بندی آثار عوامل شناسایی‌شده بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم شهر تهران پرداخته شده است.

میزان اثرگذاری عوامل مختلف بر مدیریت یکپارچه محلی

در این بخش ابتدا به بررسی میزان اثرگذاری هریک از عوامل بر مدیریت یکپارچه محلی روستاهای حریم کلان‌شهر تهران پرداخته شده است. جهت تعیین میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. درواقع ازطریق این آزمون مشخص می‌شود که مجموع گویه‌هایی که در این مطالعه به‌عنوان عوامل تبیین‌کننده تغییر و تحولات مدیریت یکپارچه محلی مورداستفاده قرار گرفته‌اند چه میزان یا به عبارتی چند درصد از تغییرات مدیریت یکپارچه محلی را تبیین می‌نمایند. برای انجام این کار لازم است تا متغیرها و داده‌های گردآوری‌شده کفایت لازم برای انجام آزمون تحلیل عاملی را داشته باشند. به همین جهت، ابتدا از آزمون بارتلت و ضریب KMO برای تعیین شایستگی داده استفاده شده است. زمانی که مقدار ضریب KMO حداقل بیشتر از ۰/۵ و هرچقدر نزدیک‌تر به عدد ۱ باشد، داده‌ها کفایت بیشتری برای انجام تحلیل عاملی دارند. در این مطالعه شاخص کایزر و مایر (KMO) برابر با ۰/۹۴۶ و به لحاظ آماری نیز معنی‌دار است (= SIG 0/000). بنابراین داده‌های مورداستفاده کفایت لازم برای انجام آزمون تحلیل عاملی را دارند (جدول ۳).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]
[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

جدول ۳. آزمون کایزر و مایر و بارتلت و کفایت نمونه‌گیری

ضریب کایزر و مایر (KMO)	۰/۹٤٦	
آزمون بارتلت	خی دو	۳۲۲۶۹/۷۳
	درجه آزادی	۱۳۲۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰

در ادامه، جهت تعیین میزان اثرگذاری عوامل مستقل بر مدیریت یکپارچه محلی از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی (با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی) استفاده شد تا از این طریق مشخص شود که به‌طورکلی عوامل مستقل شناسایی‌شده در این مطالعه چه مقدار از تغییرات مدیریت یکپارچه محلی را تبیین می‌کنند. نتایج حاصل از این آزمون نشان داد، مجموعه گویه‌های شناسایی‌شده در شش گروه عوامل اصلی دسته‌بندی شده‌اند که مجموعاً ۷۸/۳۵ درصد از تغییرات مدیریت یکپارچه محلی را تبیین می‌کنند (جدول ۴).

جدول ٤. مجموع واریانس تبیین شده توسط عوامل اثرگذار

عوامل	جمع جذری واریانس چرخش یافته		
	جمع واریانس	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل یک	۱۳/۴۲۶	۲۵/۸۱۹	۲۵/۸۱۹
عامل دو	۸/۶۷۶	۱۶/۶۸۴	۴۲/۵۰۴
عامل سه	۶/۸۵۸	۱۳/۱۸۸	۵۵/۶۹۱
عامل چهار	۴/۱۷۱	۸/۰۲۱	۶۳/۷۱۲
عامل پنج	۴/۱۲۴	۷/۹۳۰	۷۱/۶۴۲
عامل شش	۳/۴۸۸	۶/۷۰۷	۷۸/۳۵۰

آثار مستقیم عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون و انجام تحلیل مسیر نشان می‌دهد در بین عوامل موردبررسی، عامل قوانین و مقررات با مقدار بتای ۰/۳۵۶-، مقدار T برابر با ۳/۵۹۹- و سطح معناداری (SIG) برابر با ۰/۰۰۰ دارای بیشترین میزان اثرگذاری مستقیم بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم شهر تهران بوده است. عامل مکانی – فضایی با مقدار بتای ۰/۱۵۴-، مقدار T برابر با ۲/۵۲۸- و سطح معناداری (SIG) برابر با ۰/۰۱۲، دومین عامل با بیشترین میزان اثرگذاری مستقیم بوده است. عامل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با مقدار بتای ۰/۲۲۹، مقدار T برابر با ۱/۴۶۵ و سطح معناداری (SIG) ۰/۱۴۴، دارای اثرگذاری مستقیم معنادار بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم شهر تهران نبوده است. عامل نهادی – اجرایی با مقدار بتای ۰/۲۵۵-، مقدار T برابر با ۱/۵۸۸- و سطح معناداری (SIG)۰/۱۱۳ دارای اثرگذاری مستقیم معنادار نبوده است. عامل منابع اقتصادی و مالی با مقدار بتای ۰/۰۵۱، مقدار T برابر با ۰/۴۳۷ و سطح معناداری (SIG) ۰/۶۶۳، دارای اثرگذاری مستقیم معنادار نبوده است. عامل اجتماعی – فرهنگی با مقدار بتای ۰/۲۰۰-، مقدار T برابر با ۱/۶۸۸- و سطح معناداری (SIG) ۰/۰۹۳، دارای اثرگذاری مستقیم معنادار بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم شهر تهران نبوده است (جدول ۵).

جدول ۵. آثار مستقیم عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی

عوامل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استانداردشده	t	سطح معناداری sig
	بتا	خطای انحراف معیار	بتا		
ثابت	۲/۸۳۳	۰/۱۰۸	–	۲۶/۱۷۲	۰/۰۰۰
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	۰/۰۷۷	۰/۰۵۲	۰/۲۲۹	۱/۴۶۵	۰/۱۴۴
نهادی – اجرایی	-۰/۰۸۷	۰/۰۵۵	-۰/۲۵۵	-۱/۵۸۸	۰/۱۱۳
منابع اقتصادی و مالی	۰/۰۲۰	۰/۰۴۶	۰/۰۵۱	۰/۴۳۷	۰/۶۶۳
قوانین و مقررات	-۰/۱۴۹	۰/۰۴۲	-۰/۳۵۶	-۳/۵۹۹	۰/۰۰۰
اجتماعی – فرهنگی	-۰/۰۸۸	۰/۰۵۲	-۰/۲۰۰	-۱/۶۸۸	۰/۰۹۳
مکانی – فضایی	-۰/۰۷۲	۰/۰۲۹	-۰/۱۵۴	-۲/۵۲۸	۰/۰۱۲

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

آثار غیرمستقیم عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی

در این بخش، جهت بررسی آثار غیرمستقیم هرکدام از عوامل بر مدیریت یکپارچه محلی ازطریق آزمون رگرسیون و انجام تحلیل مسیر اقدام شده است. این بخش در شش گام انجام شده، به‌طوری‌که در هر مرحله یک عامل به‌عنوان متغیر وابسته و عوامل دیگر به‌عنوان متغیر مستقل مورد آزمون قرار گرفته‌اند. بررسی میزان آثار غیرمستقیم نشان می‌دهد، عامل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با جمع آثار ۱/۷۲۰ دارای بیشترین اثرگذاری غیرمستقیم بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم شهر تهران بوده است. بعدازآن به ترتیب عامل نهادی – اجرایی با جمع آثار غیرمستقیم ۱/۲۵۳، عامل اجتماعی – فرهنگی با جمع آثار غیرمستقیم ۱/۱۰۰، عامل منابع اقتصادی و مالی با جمع آثار غیرمستقیم ۰/۶۴۲، عامل قوانین و مقررات با جمع آثار غیرمستقیم ۰/۵۳۰ و عامل مکانی – فضایی با جمع آثار غیرمستقیم ۰/۰۹۱ بیشترین اثرگذاری غیرمستقیم را بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم شهر تهران داشته‌اند (جدول ۶).

جدول ٦. ماتریس اثرگذاری غیرمستقیم عوامل بر مدیریت یکپارچه محلی

عوامل	سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	نهادی – اجرایی	منابع اقتصادی و مالی	قوانین و مقررات	اجتماعی – فرهنگی	مکانی – فضایی	جمع آثار غیرمستقیم
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی		۰/۷۱۱		۰/۲۱۸	۰/۱۹۷	۰/۵۹۵	۱/۷۲۰
نهادی – اجرایی	۰/۷۴۰		۰/۵۱۳				۱/۲۵۳
منابع اقتصادی و مالی		۰/۲۶۲			۰/۳۸۰		۰/۶۴۲
قوانین و مقررات	۰/۰۸۷				۰/۴۴۴		۰/۵۳۰
اجتماعی – فرهنگی	۰/۱۰۷		۰/۳۸۹	۰/۶۰۴			۱/۱۰۰
مکانی – فضایی	۰/۰۹۱						۰/۰۹۱

جمع آثار مستقیم و غیرمستقیم عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی

در مرحله پایانی به جمع‌بندی مجموع آثار غیرمستقیم و آثار مستقیم هریک از عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای واقع در حریم شهر تهران پرداخته شده است. نتایج نهایی نشان می‌دهد که عامل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با جمع آثار ۱/۷۲ دارای بیشترین اثرگذاری بر مدیریت یکپارچه محلی روستاهای حریم شهر تهران است. بعد از به ترتیب عامل نهادی – اجرایی با جمع آثار ۱/۲۵، عامل اجتماعی – فرهنگی با جمع آثار ۱/۱۰، عامل قوانین و مقررات با جمع آثار ۰/۸۹، عامل منابع اقتصادی و مالی با جمع آثار ۰/۶۴ و عامل مکانی – فضایی با جمع آثار ۰/۲۴ دارای بیشترین اثرگذاری بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای واقع در حریم شهر تهران هستند (جدول ۷).

جدول ۷. جمع آثار مستقیم و غیرمستقیم عوامل مؤثر بر مدیریت یکپارچه محلی

عوامل	آثار مستقیم	آثار غیرمستقیم	جمع آثار	رتبه
سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	۱/۷۲		۱/۷۲	۱
نهادی – اجرایی	۱/۲۵		۱/۲۵	۲
اجتماعی – فرهنگی	۱/۱۰		۱/۱۰	۳
قوانین و مقررات	۰/۵۳	۰/۳۶	۰/۸۹	۴
منابع اقتصادی و مالی	۰/۶۴		۰/۶۴	۵
مکانی – فضایی	۰/۰۹	۰/۱۵	۰/۲۴	۶

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد عامل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بیشترین اثرگذاری را بر مدیریت یکپارچه محلی در روستاهای حریم شهر تهران دارد. بعدازآن نیز به ترتیب عوامل نهادی – اجرایی، اجتماعی – فرهنگی، قوانین و مقررات، منابع اقتصادی و مالی و عوامل مکانی – فضایی بیشترین اثرگذاری را بر مدیریت یکپارچه محلی روستاهای حریم شهر تهران داشته‌اند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]
[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

برای برطرف نمودن مسائل و مشکلات روستاهای حریم کلان‌شهر تهران، توجه به مدیریت یکپارچه محلی بسیار حائز اهمیت است که در حال حاضر، شرایط فعلی و وضعیت موجود فاصله بسیار زیادی تا تحقق مدیریت یکپارچه و کارآمد در این منطقه دارد. درواقع، وجود عوامل اثرگذار مختلف باعث شده است تا تحقق مدیریت یکپارچه محلی در این روستاها به امری دشوار تبدیل شود. در میان این عوامل، نقش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بسیار پررنگ و حائز اهمیت است. این بخش از نتایج تحقیق با یافته‌های سرور و همکاران (۱۳۹۶)، خلیجی و همکاران، (۱۳۹۷)، سرور و همکاران (۱۴۰۰) و ناصر مستوفی و دزفولی (۱۴۰۰) همسو است. درواقع فضای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور و به‌طورکلی و حریم شهر تهران به‌طور خاص و در سطوح مختلف به نحوی تنظیم شده است که امکان تحقق مدیریت یکپارچه این روستاها را فراهم نمی‌کند. برای تحقق این مهم لازم است هماهنگی مناسبی بین تمامی دستگاه‌های مدیریتی و متولی در این منطقه وجود داشته باشد که در حال حاضر چنین نیست. دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلفی در سطح حریم شهر تهران به اشکال مختلف مسئولیت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و خدمات‌دهی را بر عهده دارند که بیشتر موارد این دستگاه به‌صورت جزیره‌ای در حال فعالیت هستند و غالباً درک و فهم مشترکی نیز در مورد مسائل و موضوعات روستاهای حریم شهر تهران ندارند.

به لحاظ فعالیت‌های نهادی و اجرایی سازمان‌ها نیز هماهنگی مناسب شکل نگرفته است. این بخش از نتایج تحقیق با یافته‌های مطالعه شیخی (۱۳۸۸)، سرور و همکاران (۱۳۹۶)، خلیجی و همکاران (۱۳۹۷)، شیخی و شبستر(۱۳۹۷)، سبحانی و همکاران (۱۳۹۸)، اسدی و برک‌پور (۱۳۹۹)، سرور و همکاران (۱۴۰۰)، علیان و مرتضوی (۱۴۰۲) تطابق دارد. در بسیاری از موارد، روستائیان ساکن در روستاهای حریم در بحث فرایندها و رویه‌های اداری دچار سردرگمی شده و به‌طور مشخص از بروکراسی مبهم دستگاه‌های اجرایی رضایت مناسبی ندارند. همچنین نهادهای متولی در روستاهای حریم شهر تهران، ساختار سازمانی منسجم و توان لازم برای مدیریت این روستاها را ندارند. به‌طور مشخص برخی از روستاهای حریم به لحاظ گستردگی فیزیکی و ساختار کالبدی به اندازه یک منطقه شهری توسعه فیزیکی پیدا کرده‌اند، اما دهیاری‌های این روستاها از نیروی انسانی و ساختار سازمانی منسجم برای مدیریت این روستاها برخوردار نیستند. به‌طورکلی سازمان‌ها و نهادهای مختلفی در سطح روستاهای حریم شهر تهران دارای فعالیت هستند، اما نبود هماهنگی بین این نهادها منجر به هدررفت منابع مالی و سرمایه انسانی و در کنار آن عدم توفیق در مدیریت مطلوب این روستاها شده است.

شرایط اجتماعی – فرهنگی این روستاها نیز بر وضعیت نامطلوب مدیریت یکپارچه محلی اثرگذار بوده است. این بخش از نتایج تحقیق با یافته‌های مطالعه صرافی (۱۳۸۸)، صرافی و نجاتی (۱۳۹۶)، خلیجی و همکاران (۱۳۹۷) و علیان و مرتضوی (۱۴۰۲) مطابقت دارد. از یک طرف، هماهنگی و مشارکت بین مردم و هماهنگی مردم با نهادهای و دستگاه‌های مختلف و از طرف دیگر، مشارکت بین نهادی به شکل افقی و عمودی به‌خوبی ایجاد نشده است یا اینکه به شکل بسیار ضعیفی وجود دارد. بنابراین، بحث افزایش میزان همکاری و مشارکت، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی در سطوح مردمی، بین نهادی و درون نهادی در روستاهای حریم شهر تهران بسیار حائز اهمیت است.

بحث قوانین و مقررات مربوط به حریم شهر تهران نیز بر وضعیت آشفته فعلی روستاهای واقع در حریم شهر تهران تأثیرگذار بوده است. این بخش از نتایج تحقیق با یافته‌های برک‌پور (۱۳۸۵)، شیخی (۱۳۸۸)، سرور و همکاران (۱۳۹۶)، خلیجی و همکاران (۱۳۹۷)، شیخی و شبستر (۱۳۹۷) و امیرانتخابی و همکاران (۱۴۰۲) همسو است. درواقع ضعف در قوانین به لحاظ بازدارندگی، شفاف نبودن قوانین، عدم بروزرسانی و اصلاح قوانین مربوط به حریم شهر تهران، ضعف در انسجام و هماهنگی بین قوانین مختلف، همسو نبودن برخی قوانین با مدیریت یکپارچه محلی و نبود سازوکارهای نظارتی قوی برای اجرای درست قوانین و برخورد با متخلفان زمینه را برای فعالیت‌های غیرقانونی و ایجاد به‌هم‌ریختگی در وضعیت کالبدی روستاها فراهم آورده است. متأثر از همین موضوع در عمده روستاهای حریم شهر تهران، بورس‌بازی زمین و املاک به شکل قابل‌توجهی رشد پیدا کرده که این امر غالباً به شکل مدیریت نشده و فاقد هرگونه برنامه منسجم است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

منابع اقتصادی و مالی نیز یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر وضعیت نابسامان مدیریت روستاهای حریم شهر تهران است. این نتایج با یافته‌های مطالعه سرور و همکاران (۱۴۰۰)، آرچه[3] (۲۰۱۳) و اسلک و کوت[4] (۲۰۱۴) تطابق دارد. درواقع، عدم برخورداری نهادهای متولی (به‌ویژه دهیاری‌ها) از منابع مالی کافی برای مدیریت روستاهای حریم، نداشتن منابع درآمدی پایدار و مستقل، نبود شفافیت در نظام درآمد و هزینه نهادها، عدم تناسب بین مسئولیت‌ها و وظایف نهادهای محلی با منابع مالی موردنیاز برای انجام وظایف، مشارکت ضعیف بخش خصوصی، عمومی و مردمی در تأمین مالی باعث شده است تا به‌طورکلی منابع مالی موردنیاز برای مدیریت یکپارچه روستاهای حریم شهر تهران وجود نداشته باشد.

برخی ویژگی‌ها و تفاوت‌های فضایی در محدوده حریم شهر تهران نیز شرایط را برای مدیریت یکپارچه روستاهای این منطقه دشوار نموده است. این بخش از نتایج تحقیق با یافته‌های مطالعه شیخی و شبستر (۱۳۹۷)، خلیجی و همکاران (۱۳۹۷) و شاهی‌دشت و همکاران (۱۴۰۱) مطابقت دارد. اول اینکه روستاهای حریم شهر تهران در جنوب، شرق و شمال شهر تهران به لحاظ ویژگی‌های طبیعی و میزان برخورداری از خدمات و زیرساخت‌ها هرکدام دارای شرایط خاص و منحصربه‌فردی هستند. دوم اینکه این تفاوت باعث شده است تا شاهد توسعه روستایی نامتوازن در حریم شهر تهران باشیم. همچنین نهادها و دستگاه‌های مختلف نیز هرکدام بر اساس حوزه وظایف و اختیار خود اقدام به اجرای طرح‌هایی کرده‌اند که به دلیل عدم توجه به روابط عمودی و افقی دستگاه‌ها و روابط بین نهادی، بعضاً این اقدامات منشأ اختلافات و تعارض منافع بین دستگاه‌ها و نهادهای مختلف شده که علاوه بر اینکه نتیجه دلخواهی برای تحقق مدیریت مطلوب روستاها به همراه نداشته، بلکه موجب هدر رفتن منابع سازمانی نیز شده است.

فهرست منابع

امیرانتخابی، شهرام؛ اکبری، مجید؛ بوستان احمدی، وحید و ضرغام‌فر، مسلم. (۱۴۰۲). تدوین نقشه راهبردی مدیریت یکپارچه شهری در کلان‌شهرهای ایران (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، دوره ۱۸، شماره ۱: ۶۷-۵۱.

اسدی، ایرج. (۱۳۸۳). راهبرد منطقه‌گرایی در حکمروایی مناطق کلان‌شهری. *مدیریت شهری و روستایی*، شماره ۱۷: ۴۵-۳۲.

اسدی، ایرج و برک‌پور، ناصر. (۱۳۹۹). سازمان رهبر، مدل متناسب مدیریت شهری یکپارچه در ایران. *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، دوره ۲۵، شماره ۴: ۳۰-۱۷.

اسدی، ایرج و زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی مناطق شهر بنیاد در مطالعات شهری و منطقه‌ای: با نظری بر واکاوی مفهوم مجموعه شهری در ایران. *نشریه هنرهای زیبا*، دوره ۲، شماره ۴۳: ۳۰-۱۷.

ایمانی جاجرمی، حسین و فیروزآبادی، سیداحمد. (۱۳۸۶). الگوی سنجش عملکرد حکومت‌های محلی در ایران با تأکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران. نشریه *مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۳۲ : ۱۱۲-۹۱.

برک‌پور، ناصر. (۱۳۸۵). مدیریت مناطق کلان‌شهری: بررسی قانون تعاریف محدوده و حریم شهر روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها _ مصوب ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی و تأثیر آن بر گسترش اسکان غیررسمی در شهرهای ایران. *مجله مدیریت شهری و روستایی*، شماره ۱۸: ۹۵-۸۸.

حسین‌پور، سیدعلی. (۱۳۹۰). *تحلیل موانع ایجاد مدیریت یکپارچه شهری با تأکید بر نقش نهادهای حکومتی نمونه موردی: کلان‌شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مجتبی رفیعیان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- خلیجی، محمدعلی؛ سرور، رحیم و سعیده زرآبادی، زهراسادات. (۱۳۹۷). تحلیلی بر انواع تفرق‌ها و میزان اثرگذاری آن‌ها بر تحقق مدیریت یکپارچه حریم پایتخت. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، دوره ۱۳، شماره ۲: ۳۰۳-۲۸۳.

داداش‌پور، هاشم؛ میری لواسانی، سیدامیررضا. (۱۳۹۴). تحلیل الگوهای فضایی پراکنده رویی در منطقه کلان‌شهری تهران. *فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی*، سال ۵، شماره ۱: ۱۴۶-۱۲۳.

رضوانی، محمدرضا. (۱۴۰۰). شراکت روستایی - شهری و توسعه پایدار ناحیه‌ای؛ رویکردی مفهومی و تجربی. *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۱۲، شماره ۳: ۶۵۳-۶۳۲.

سازمان شهرداری‌ها و دهیارهای کشور. (۱۳۹۵). *فهرست روستاهای حریم شهر تهران*.

3. Arretche
4. Slack & Cote

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

سبحانی، نوبخت؛ زیویار، پروانه و سرور، رحیم. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل روابط علّی و معلولی شاخص‌های تأثیرگذار بر مدیریت یکپارچه حریم پایتخت. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۵۱، شماره ۲: ۴۵۱-۴۲۹.

سرور، رحیم؛ آشتیانی عراقی، مجیدرضا و اکبری، مجید. (۱۳۹۶). واکاوی عوامل مؤثر بر تحقق‌پذیری مدیریت یکپارچه شهری مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران. *جغرافیا (فصلنامه علمی – پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*، دوره ۱۵، شماره ۵۲ : ۵۲-۳۷.

سرور، رحیم؛ درویش، بهروز و خلیجی، محمدعلی (۱۴۰۰). اقتصاد سیاسی و مدیریت یکپارچه حریم منطقه کلان‌شهری تهران. *اقتصاد شهری*، دوره ۶، شماره ۱ : ۴۰-۲۷.

شیخی، محمد. (۱۳۸۸). ضرورت‌ها و الزامات برنامه‌ریزی و مدیریت یکپارچه توسعه کلان‌شهر تهران. *منظر*، دوره ۱، شماره ۳: ۴۱-۳۴.

شیخی، محمد و شبستری، محسن. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی مدیریتِ یکپارچه حریم کلان‌شهر تهران. *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، دوره ۳، شماره ۴: ۳۴-۱.

شاهی‌دشت، غلامرضا، سرور، رحیم و مدیری، مهدی. (۱۴۰۱). ارزیابی انواع تفرق‌ها و تأثیر بر مدیریت یکپارچه حریم کلان‌شهر مشهد. *مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، سال ۳، شماره ۱: ۱۹۸-۱۷۹.

صرافی، مظفر. (۱۳۸۸). مدیریت یکپارچه شهری در خدمت توسعه اجتماعات محلی. *نشریه علمی منظر*، دوره ۱، شماره ۳: ۳۳-۳۲.

صرافی، مظفر و نجاتی، ناصر. (۱۳۹۶). حکمروایی چندسطحی منطقه کلان‌شهری در راستای رویکرد نومنطقه‌گرایی (مطالعه موردی: منطقه کلان‌شهری مشهد). *هویت شهر*، دوره ۱۱، شماره ۳: ۳۹-۲۷.

علیان، مهدی و مرتضوی، سیدمحمد رحیم. (۱۴۰۲). هم‌افزایی نهادی و سرمایه اجتماعی؛ نقش هم‌افزایی نهادی در مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره : ۲۶۱-۲۴۵.

کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳). *تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا، تلاش برای طراحی مدل (نمونه منطقه کلان‌شهری تهران)*. پایان‌نامه دکتری، استاد راهنما: اکبر پرهیزگار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹). *سالنامه آماری استان تهران*.

ناصر مستوفی، انوشیروان و دزفولی، راما قلمبر. (۱۴۰۰). ارزیابی علل و پیامدهای نارسایی در مدیریت یکپارچه حریم پایتخت با تأکید بر الزامات طرح جامع شهر تهران. *فصلنامه علمی – پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال ۱۱، شماره ۴: ۳۴۰-۳۱۹.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

References

Andersson, M. (2014). Metropolitan governance and finance. *Municipal Finances: A handbook for Local Governments*, 41-92.

Ahrend, R., Lembcke, A. C., & Schumann, A. (2017). The role of urban agglomerations for economic and productivity growth. *International productivity monitor*, (32), 161- 179.

Atkinson, G. (1998). The political economy of liberalization and regulation: Trade policy for the new era. *Journal of Economic Issues*, *32*(2), 419-426.

Allers, M. A., & De Greef, J. A. (2018). Intermunicipal cooperation, public spending and service levels. *Local Government Studies*, *44*(1), 127-150.

Arretche, M. (2013). Governance and finance in two Brazilian metropolitan areas. *Finance and Governance of Metropolitan Areas in Federal Systems. Oxford University Press (forthcoming)*.

Bahl, R. W. (2011). Financing metropolitan areas.

Bish, R. L. (2001). Local government amalgamations: discredited nineteenth century ideals alive in the twenty first. *Commentary-CD Howe Institute*, (150), 1.

Chen, C., LeGates, R., & Fang, C. (2019). From coordinated to integrated urban and rural development in China's megacity regions. *Journal of Urban Affairs*, *41*(2), 150-169.

Clark, G., Huxley, J. & Mountford, D. (2010). Organising Local Economic Development: The Role of Development Agencies and Companies, OECD Publishing, Paris.

Danielewicz, J. (2020). Integrated Management of Metropolitan Areas in Romania. *Acta Universitatis Lodziensis. Folia Oeconomica*, *6*(351), 61-79.

Dabson, B. (2019). Regional solutions for rural and urban challenges. *State and Local Government Review*, *51*(4), 283-291.

Fang, C., Chen, C., Zhao, M., & LeGates, R. (2020). Integrating urban-rural development (IURD) through governance programmes in China's Megacities: The Suzhou model. *New urban agenda in Asia-Pacific: Governance for sustainable and inclusive cities*, 39-64.

Gariup, M. (2016). Regionalism and regionalization: The State of the art from a neo-realist perspective. *Beyond Regionalism?*, 69-87.

Ibietan, J. (2010). The role of local government in rural development issues. *Knowledge Review*, *20*(2), 30-38.

Kandpal, R., & Saizen, I. (2019). A study on institutional imbalances of the urban–rural governance framework in Mumbai Metropolitan Region, India. *Asia-Pacific Journal of Regional Science*, *3*, 137-154.

Klink, J. (2008). Recent perspectives on metropolitan organization, functions, and governance. *ROJAS, E.; CUADRADOROURA, JR e FERNANDEZ GÜELL, JM Governing the Metropolis. Principles and Cases. IADB and Harvard University, Washington DC and Cambridge, Mass*, 77-135.

Lefèvre, C. (2010). The improbable metropolis: decentralization, local democracy and metropolitan areas in the Western world. *Análise Social*, 623-637.

MacLeod, G., & Goodwin, M. (1999). Space, scale and state strategy: rethinking urban and regional governance. *Progress in human geography*, *23*(4), 503-527.

Miller, D. (2018). *The regional governing of metropolitan America*. Routledge.

Model, S. (2019). Integrating Urban-Rural Development (IURD) Through Governance Programmes in China's Megacities: The. *New Urban Agenda in Asia-Pacific: Governance for Sustainable and Inclusive Cities*, 39.

OECD. (2013). Rural-Urban Partnerships An Integrated Approach to Economic Development. Access: https://www.oecd.org/publications/rural-urban-partnerships-9789264204812-en.htm

OECD .(2017). Rural Urban linkages. The Organisation for Economic Co-operation and Development. Access: https://www.oecd.org/cfe/regionaldevelopment/rural-urban-linkages

Pugalis, L., & Tan, S. (2017). Metropolitan and regional economic development: Competing and contested local government roles in Australia in the 21st century. *Australian And New Zealand Regional Science Association International*.

Slack, E. (2019). Metropolitan governance: Principles and practice.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]

Slack, E., & Côté, A. (2014). *Is Toronto Fiscally Healthy? A Check-up on the City's Finances*. Institute on Municipal Finance and Governance.

Spicer, Z., & Found, A. (2016). Thinking Regionally: How to Improve Service Delivery in Canada's Cities. *CD Howe Institute Commentary*, *458*.

Sukhwani, V., Deshkar, S., & Shaw, R. (2020). Covid-19 lockdown, food systems and urban–rural partnership: Case of Nagpur, India. *International journal of environmental research and public health*, *17*(16), 5710.

Teles, F. (2012). Local governance, identity and social capital: a framework for administrative reform. *Theoretical and Empirical Researches in urban management*, *7*(4), 20-34.

United Nations. (2014). World Urbanization Prospects. Access: https://population.un.org/wup/publications/files/wup2014-report.pdf

Wheeler, S. M. (2002). The new regionalism: Key characteristics of an emerging movement. *Journal of the American Planning Association*, *68*(3), 267-278.

Wu, W., Zhang, M., Shi, J., & Tu, J. (2016). Integrated Urban-Rural Planning in China: The Case of Zhenjiang. *Transforming Distressed Global Communities: Making Inclusive, Safe, Resilient, and Sustainable Cities*, 303.

Ye, Y., LeGates, R., & Qin, B. (2013). Coordinated urban-rural development planning in China: The Chengdu model. *Journal of the American Planning Association*, *79*(2), 125-137.

Ye, L. (2014). State-led metropolitan governance in China: Making integrated city regions. *Cities*, *41*, 200-208.

Yumin, Y., & LeGates, R. (2013). *Coordinating urban and rural development in China: Learning from Chengdu*. Edward Elgar Publishing.

Yuzhe, W. U., Hualou, L. O. N. G., Pengjun, Z. H. A. O., & Hui, E. C. M. (2022). Land use policy in urban-rural integrated development. *Land Use Policy*, *115*, 106041.

Zheng, Y., Tan, J., Huang, Y., & Wang, Z. (2022). The Governance Path of Urban–Rural Integration in Changing Urban–Rural Relationships in the Metropolitan Area: A Case Study of Wuhan, China. *Land*, *11*(8), 1334.

DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61

[Downloaded from jhre.ir on 2026-10-11]

[DOI: https://doi.org/10.22034/43.185.61]